

چکیده

گسترش فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری نقش بارزی در حذف تأخر فرهنگی بخش های مادی و معنوی فرهنگ شهری را به دنبال خواهد داشت. شناخت کافی در مورد نیازهای پایدار محلات شهری همراه با ارزیابی و آموزش های فرهنگی مداوم و مستمر در حوزه اجرای طرح ها و پروژه های اقتصادی، اجتماعی، زیباسازی و عمرانی شهر در راستای این فرایند باید مورد اهتمام قرار گیرد. پیوست فرهنگی در جامعه برای رسیدن به توسعه پایدار انسانی با محوریت فرهنگ ایرانی، اسلامی در راستای مهندسی و مدیریت فرهنگی جامعه شهری امری ضروری است. پیوست فرهنگی جامعه شهری در راستای حفظ میراث فرهنگی شهر، حفظ شیوه زندگی اسلامی و ایرانی جامعه شهرنشین، تقویت ارزش های والای ایرانی و اسلامی، بهبود مستمر و استمرار اعتقادات، ارزش ها و جهان بینی اسلامی در تمامی عرصه های روابط جامعه شهری، ارتقاء اخلاقی، انسانی و اسلامی در جامعه شهری، پایه ریزی یک هویت مشترک شهری بر مبنای ارزش ها و هنجارهای اسلامی و ایرانی برای مقابله با سبک زندگی جامعه شهرنشین غربی را به عنوان اصول ضرورت مند، سودمند و عمومی در حوزه مدیریت شهری همراه با کارکرد هایی متنوع به دنبال خواهد داشت. پیوست فرهنگی در راستای کاهش تضادهای فرهنگی و سیاسی شهروندان، مشارکت همه جانبه شهروندان در عرصه های مختلف مدیریت شهری، ارتقاء سرمایه های انسانی، اجتماعی و فرهنگی تمام ساکنین شهری، پرورش استعدادها، خلاقیت ها و نوآوری همراه با کارآفرینی و پویایی شهروندان اثر مثبتی بر فعالیت ها و اهداف حوزه مدیریت شهری جامعه ما خواهد گذاشت. با ایجاد چنین زمینه هایی در سطح جامعه، کنترل و نظارت بر نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در شهر با تکیه بر هویت اسلامی، ایرانی و فرهنگ شهری کمک موثری بر توسعه همه جانبه و پایدار جامعه شهری خواهد داشت. فرایند پیوست فرهنگی، احیاء و تقویت فرهنگ اسلامی شهر، افزایش اثربخشی فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه شهرنشین، حوزه مدیریت شهری را تسریع می بخشد. این فرایند در جامعه شهری ما با هدف افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی، پروژه های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی در حال اجرا در شهر، کاهش آسیب های فرهنگی طرح های مدیریت شهری، برنامه ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی را برای جامعه شهری ایران در راستای تقویت توسعه پایدار فرهنگ جامعه اسلامی در بر خواهد داشت. مدیریت اجرایی شهرها و شوراهای اسلامی شهر، در کنار پاسداشت ارزش های اسلامی و انقلابی در شهرها و مشارکت پایدار شهروندان در نظام مردم سالاری دینی و شهری را باید از مهمترین کانون های شکل گیری این فرایند در حوزه مدیریت شهری در دهه چهارم انقلاب دانست. وجود نظم فرهنگی در جامعه شهری به عنوان یکی از اجزای اصلی پیوست فرهنگی مدیریت شهری است، شناخت واقعی فرهنگ محلات شهری برای بسترسازی طرح های عمرانی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی شهر امری لازم و ضروری است؛ بر این اساس فرهنگ و توسعه آن از طریق فرایند پیوست فرهنگی مدیریت شهری منجر به پیشرفت زندگی جامعه با هدف تحقق ارزش های فرهنگی و اخلاقی خواهد شد. با توجه به این امر و با تأکید بر مروری بر یافته ها و مقاله های جمع آوری شده و با استفاده از روش اسنادی و مطالعه کتابخانه ای، راهکارها و راهبردهایی از بعد جامعه شناختی در حوزه مدیریت شهری مورد تأمل قرار خواهیم داد.

کلید واژه

پیوست فرهنگی، توسعه فرهنگی، فرهنگ، هویت فرهنگی، مدیریت شهری

۱. مقدمه

پیوست فرهنگی از مفاهیم بنیادی و راهکارهای اساسی است که در راستای راهبردی مفاهیم "مهندسی فرهنگی، رصد فرهنگی و مدیریت فرهنگی" توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی مطرح گردیده است. ایشان به تهیه نظام نامه پیوست فرهنگی در کلیه طرح ها، از سال ۸۶ به بعد، تأکید بسیاری کرده اند، بر این اساس تهیه شیوه نامه پیوست فرهنگی مورد توجه اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است. علاوه بر این مراکز عمده سیاستگذاری در جامعه اسلامی ایران، از جمله حوزه مدیریت شهری (شهرداری ها) و شوراهای اسلامی شهر این

مفهوم فرهنگی را باید سرلوحه فعالیت های اقتصادی، زیباسازی، اجتماعی و عمرانی محلات شهری خود قرار دهند؛ و اذهان بسیاری از مراکز علمی، تحقیقاتی و پژوهشگران در این زمینه معطوف به اهداف مدیریتی خود نمایند. اشتراک تمام رویکردها و عملکردهای سازمانی و نهادینه شده این فرایند در جامعه، توجه به بُعد عملیاتی و تأثیرگذاری عملکرد این نظام نامه در عرصه مدیریت فرهنگی کشور از مهمترین پارامترها و شاخص های اساسی گسترش عملی و کاربردی این فرایند در بین حوزه های مختلف مدیریت شهری می باشد.

در این مقاله با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری و با توجه به ضرورت های مدیریت تحولات اجتماعی بر محور فرهنگ اسلامی و ایرانی، سعی در تبیین چرایی و چیستی پیوست فرهنگی از بُعد مطالعات فرهنگی و اجتماعی خواهیم داشت. تحلیل اهتمام به پیوست فرهنگی از بُعد جامعه شناسی از یک سو و تبیین مدل مفهومی پیوست فرهنگی در جامعه حال حاضر ایران از سوی دیگر، به عنوان ابعاد "چرایی" و "چیستی" این پیوست، محور اساسی مقاله حاضر ما را تشکیل خواهد داد.

۲. طرح مسئله

هر جامعه‌ای در روند روبه توسعه پایدار و همه جانبه خود در جهت تامین نیازها، و خواسته هایش باید به تمام اجزای توسعه پایدار خود توجه کامل داشته باشد، در غیر اینصورت دچار عقب ماندگی و تأخر فرهنگی خواهد شد. بر این اساس از بُعد جامعه شناسی « از آنجایی که الگوهای فرهنگی یک جامعه از شیوه های رفتاری، نهادها، و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده است تغییر در بخشی از فرهنگ (اختراع، رشد جمعیت، و یا پیدایش هر چیز نو یا متفاوت) سبب ایجاد تغییرات، تنش ها و فشارهایی در سایر قسمت های فرهنگ خواهد گردید. در این حالت ضرورت و یا نیاز به تطابق و تنظیم مجدد، که سبب خواهد شد تا فرهنگ به تعادل جدید برسد، احتمالاً منجر به دگرگونی های تطابقی خواهد گردید. اما این فرایند تعادلی معمولاً خیلی سریع بروز نمی کند، و ممکن است فاصله زمانی زیادی وجود داشته باشد تا یک جزء عقب مانده فرهنگ بتواند به سایر قسمت ها برسد و یکپارچگی فرهنگی حاصل شود. به ویژه در عصر جدید، اغلب طرح ها و نوآوری های چنین وضعیتی دارند جامعه شناسان این حالت را تأخر فرهنگی می نامند.» [۱] با توجه به چنین غفلتی که در طرح های توسعه پایدار جامعه شهری در تمام عرصه ها می توان مورد مشاهده قرار داد، ضرورت فرهنگ و پیوست رفتاری آن باید در شهرها مورد اهتمام قرار گیرد. بنابراین پیوست فرهنگی عبارت از « فرآیند تعیین، پیش بینی، ارزیابی و آگاه سازی در خصوص تأثیرات احتمالی فعالیت یا سیاست جاری پیشنهاد شده بر زندگی، نهادها و منابع فرهنگی. از این طریق پیوست فرهنگی با هدف تأثیرات مخرب و افزایش نتایج مثبت، یافته ها و نتایج را در فرآیند برنامه ریزی و تصمیم سازی وارد می سازد.» [۲]

اصطلاح توسعه امروزه با یک رویکرد پایدار انسانی و همه جانبه متأثر از سطوح و ابعاد فرهنگ داخلی هر جامعه ای می تواند، در کنار بسط و گسترش شاخص های توسعه از برون مورد اهتمام قرار گیرد. متأسفانه نگاه مدیریت اجرایی شهرها در اجرای کاربردی طرح ها توسعه مند بیشتر سیاسی، اقتصادی، عمرانی و منفعت طلبانه است، و به دلیل فقدان دیدگاه مدیریت فرهنگی حاکم بر اجرا و نظارت دقیق و مشارکت طلبانه آن شهروندان، در حال حاضر توسعه فرهنگی در حوزه مدیریت شهری مورد غفلت قرار دارد؛ به عبارت دیگر «معمولاً هر وقت از توسعه در یک جامعه نام برده می شود آنچه به ذهن متبادر می گردد، توسعه در بخش های عمرانی و اقتصادی و حداکثر سیاسی است و معمولاً مقوله فرهنگ مورد غفلت قرار گرفته و به رابطه فرهنگ با ابعاد دیگر توسعه توجهی نمی شود.» [۳]

توسعه در جامعه حال حاضر ما بعد از انقلاب و پایان جنگ تحمیلی در شهرهای ما بیشتر به سمت رویارویی ارزش های انقلاب اسلامی، فرهنگ ایرانی، اسلامی با فرهنگ غربی گرایش یافته است؛ و باعث تضادها، تصادم ها و برخورد در فرهنگ عمومی جامعه شده است. بر این اساس سؤال اساسی این است که اجرای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری دارای چه نقش و وظایفی است؟ پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کارساز در پیوند مدیریت راهبردی و اجرایی شهرها دارای چه اثراتی است؟ مهمترین راهکارها و راهبردهای بسترسازی این فرایند در مدیریت اجرایی، راهبردی و فرهنگی شهر چیست؟

۳. ضرورت پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

فرهنگ از زیربنایی ترین بخش های هر جامعه است، فرهنگ واسطه تمدن و اندیشه در جوامع بشری می باشد. به طوری که اندیشه، زیربنای فرهنگ و فرهنگ زیربنای تمدن است. فرهنگ هر جامعه ای از اندیشه و نیروی تفکر در آن جامعه مدد می

گیرد، و به تمدن به عنوان روینای خود مدد می‌رساند. البته این سخن به معنای این نیست که رابطه میان اندیشه و فرهنگ، رابطه‌ای یک سویه است، بلکه می‌توان گفت رابطه‌ای تقدیمی میان اندیشه و فرهنگ وجود دارد. هر چند در تحلیل نهایی این اندیشه است که خصلت تعیین‌کنندگی دارد. ولی به هر حال رابطه‌ای دو سویه بین فرهنگ و اندیشه وجود دارد، و فرهنگ و اندیشه از یکدیگر تاثیر پذیرفته و بر همدیگر تاثیر می‌گذارند. همین جایگاه واسطه فرهنگ در بین اندیشه و تمدن نشان از اهمیت این پدیده در زندگی اجتماعی انسان‌ها را دارد. دقیقاً به دلیل چنین جایگاهی است که در جوامع انسانی برای فرهنگ اهمیت شایانی قائل هستند و در دنیای کنونی مسائلی مانند مدیریت فرهنگی، برنامه ریزی فرهنگی و توسعه فرهنگی و اخیراً مهندسی فرهنگی در عرصه های متفاوت از جمله حوزه مدیریت شهری اهمیت زیادی پیدا کرده است. «اجرای پروژه های عمرانی، اقتصادی و به طور کلی سیاست های توسعه ای در جامعه، باعث ایجاد تغییرات و دگرگونی هایی در حوزه های مختلف اجتماعی می شود. این تغییرات در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مواردی ملموس و بی واسطه است، زیرا هدف از اجرای پروژه های عمرانی، دستیابی به تغییرات و دگرگونی های مشخصی در این حوزه هاست. از همین رو زمانی که راهی ساخته و یا سدی احداث می شود این اقدامات برای حل دستیابی به هدف معینی انجام می شود. بنابراین در اجرای هر پروژه و اعمال هر سیاستی، اهداف مشخص و مورد نظری وجود دارد و انتظار می رود اجرای پروژه و پیامدهای حاصل از آن، منجر به حل مسئله و ارتقای کیفیت زندگی اعضای جامعه هدف شود..... بنابراین پروژه ها و طرح های اقتصادی از یکسو در زمینه فرهنگی معینی اجرا شوند و تحت تاثیر آن قرار دارند و شیوه زندگی افراد جامعه را تغییر می دهند، تهیه پیوست فرهنگی، شناسایی مؤلفه های فرهنگی مهم و تاثیرات عمده این مؤلفه ها بر طرح ها و سیاست های اقتصادی است.» [۲]

مدیران حوزه شهری جامعه ما قبل از اجرای هر طرح و پروژه اقتصادی و یا عمرانی باید در راستای بسترسازی فرهنگی بهره برداری از طرح بر روی افکار و نگرش شهروندان محلات، فعالیت های فرهنگی انجام دهند، چنین فرایندی ضرورت و اهتمام تهیه شیوه نامه پیوست فرهنگی را برای هر طرح اقتصادی و عمرانی در جامعه شهری امروز ما امری لازم است. درحالت دوم اجرای پروژه های اقتصادی و اعمال سیاست های توسعه ای، بر فرهنگ محله اثر گذار است، و باعث دگرگونی در متغیرهای فرهنگی محله ها خواهد شد. با توجه به این ضرورت، مقام معظم رهبری در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور بیان فرموده اند که «توسعه یافتگی با جایگاه اول اقتصادی، علمی فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل خواهد بود. بر این اساس مدیران اجرایی و فرهنگی کشور با تأکید بر هویت انقلابی، اسلامی و ایرانی باید در کنار اجرای طرح های اقتصادی و عمرانی پروژه های فرهنگی استفاده از آن طرح قبل و بعد از اجرای پروژه را دائماً مورد نظارت قرار داده و نقاط ضعف آن را بیوشانند و نقاط قوت آن را مستمراً مورد تقویت و ارزیابی قرار دهند.» [۵]

تهیه پیوست فرهنگی در حوزه طرح های مدیریت شهری کمک لازمی به توسعه پایدار و هم جانبه شهرها خواهد کرد بر این اساس چشم‌انداز توسعه پایدار مبتنی بر فرهنگ دینی، اسلامی، ایرانی و بومی با قابلیت‌های بسیار بالایی را در شهرها، ایجاد می‌کند که از هم اکنون برنامه توسعه متوازن و همه جانبه اجتماعی با محوریت فرهنگ در طرح‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت مورد توجه مدیران شهری باید قرار گیرد. عدم توجه به روند متناسب سازی فعالیت‌های جاری در ابعاد اجتماعی، عمرانی، فرهنگی و اقتصادی شهرها با اهداف و محوریت بخشیدن به فرهنگ اسلامی، ایرانی و بومی باعث رشد نامتوازن و از دست رفتن زمان به عنوان مهم‌ترین سرمایه غیر قابل برگشت برای جبران نابسامانی‌های شهری خواهد بود. بنابراین «تجارب اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای مختلف جهان خصوصاً کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که عدم توجه به ابعاد رابطه صحیح بین قطب‌های توسعه با فرهنگ، علاوه بر آنکه میزان رشد کمی و کیفی رشد ملی را محدود می‌سازد، در بلند مدت به دلیل توسعه نامتوازن باشد ایجاد عوارض منفی و بحران‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌گردد. نارسایی تمامی ابعاد رشد و توسعه اجتماعی و کیفیت تاثیرپذیری و تاثیرگذاری این ابعاد بر همدیگر از آن جهت اهمیت دارد که با درک صحیح از مسائل توسعه می‌توان با اقداماتی آگاهانه در مرحله اول از خسارات احتمالی جلوگیری نمود و در مرحله دوم راهبردهای سازگار و برخاسته از فرهنگ خودی را طراحی و در برنامه توسعه ساری و جاری کرد. کشورهای در حال توسعه غالباً مراحل اولیه جهش به سوی توسعه را با تحرک شدید اقتصادی شروع می‌کنند و به همین دلیل عمده توجه مسئولین به هدایت‌های کاربردی با گرایش صرفاً اقتصادی معطوف می‌گردد. این امر کاملاً طبیعی است زیرا شدت تغییرات و جهش‌های توسعه به قدری سریع

است که در مراحل اولیه، فرصتی برای مطالعات بلند مدت در مورد شناسایی تحولات آتی باقی نمی ماند. اما پس از مدت زمانی که از اجرای طرح‌ها می‌گذرد، ضرورت شناخت تحولات ناشی از آثار و پیامدهای توسعه خود را می‌نمایاند.» [۳]

با توجه به تاکید مقام معظم رهبری در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، مدیران نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای جهش و تحرک شدید اجتماعی، اقتصادی و عمرانی در کلیه صنایع در کنار شناسایی آن‌ها، توسعه و تحول این صنایع، تغییرات عمده این صنایع با توجه به فناوری‌های روز دنیا، سرمایه‌گذاری این طرح‌ها در مناطق مختلف جامعه، که به صورت مقطعی امری ضروری است، از لحاظ فرهنگی و اجتماعی هم باید توسعه این صنایع در جامعه و منطقه مورد بررسی دائم مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد، تا بتوان تحرک فرهنگی متناسب با ساختار فرهنگی هویت اسلامی و ایرانی بوجود آورد، تا جامعه و ساختار فرهنگی منطقه مورد بررسی دچار تاخر فرهنگی نگردد.» پیوست فرهنگی سند بررسی تجزیه و تحلیل اثرات برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر فرهنگ جامعه است و نقش مدیران و کارشناسان فرهنگی را در بازشناسی تأثیرات برنامه‌های توسعه‌ای افزایش می‌دهد. برنامه شامل فرآیندهای مستمر و متعددی است و پیوست فرهنگی می‌تواند در تمام مراحل و فرایندهای برنامه با نظرات فرهنگی راه حل توصیه‌ای را برای دستیابی به شرایط و موقعیت سازگاری فرهنگی بررسی، پیش‌بینی ارائه نماید» [۶]

۴. نقش فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

در واقع نقش سازنده فرایند پیوست فرهنگی به این مسأله اشاره می‌کند که: «اول) اهداف اصلی و غائی نظام اسلامی، بهبود مستمر و استقرار اعتقادات، ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی در تمامی روابط جامعه و ارتقاء اخلاقیات اصیل انسانی و اسلامی در بین تمامی آحاد جامعه است و از رهگذر اجرائی شدن پیوست‌های فرهنگی است که در روند تحقق این اهداف تسریع می‌شود. دوم) قدرت، مشروعیت، نفوذ جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران در شرایط امروز جهانی در گرو رشد اعتقادات دینی و حفظ ارزش‌های اسلامی در بین کارگزاران، نخبگان و توده مردم است و اجرائی شدن فرایند پیوست‌های فرهنگی، زمینه‌ساز رشد اعتقادات و حفظ ارزش‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف است. سوم) حفظ و تقویت هویت ایرانی و اسلامی جامعه، در شرایطی که سرعت‌پیدا کردن فرایندهای جهانی شدن فرهنگ، می‌تواند هویت جوامع را به خطر اندازد، یکی دیگر از آثار ارزشمند اجرائی شدن پیوست فرهنگی است. چهارم) با شکل‌گیری یک جامعه توسعه‌یافته مبتنی بر اعتقادات اسلامی است که الگوئی عملی و موفق برای حفظ هویت کشورهای اسلامی و ایجاد یک هویت مشترک برای مقابله با استکبار جهانی فراهم می‌شود و این مهم وقتی فراهم می‌شود که ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی، خود را در سازمان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز عینیت بخشد.» [۸]

از منظر دیگر پیشرفت جامعه شهری ایران در عرصه‌های مختلف توسعه به صورت نامتوازن بوده است، و هریک از دولت‌های انقلاب اسلامی بعد از جنگ تحمیلی تأکید بر یک بُعد توسعه کرده‌اند، به این دلیل عدم توسعه نامتوازن در کندی پیشرفت پایدار شهرهای جامعه اسلامی بارز بوده است، و از بُعد دیگر با توجه به درآمدهای سرشار نفت و تکیه بر صادرات نفتی کمک عظیمی به توسعه نامتوازن جامعه شهری کرده است. از بُعد دیگر تجربیات سی و چند ساله‌ای که نظام اسلامی ایران از حضور مداوم شهروندان در عرصه‌های انقلاب در نظر گرفته است، این است که شهروندان در عرصه‌های مختلف اجرایی کشور بدون هیچگونه جهت‌گیری و اغراض سیاسی وارد عرصه شده‌اند و مشارکت پایدار و فعالی را برای تثبیت نظام از خود برگ افتخاری را به جا گذاشته‌اند؛ و در استقرار این نظام ولایت‌مدار، حفظ سلامتی کارگزاران جامعه، ضرورت و تعمیق گسترش نظام تلاش کرده‌اند. اما در جامعه شهری ما نمایندگان شورای اسلامی و مدیران شهری ایران بواسطه گرایش‌های ذاتی سیاسی به جلب اکثریت در زمان انتخابات، به مسائل مردم توجه کرده‌اند و برای حل معضلات و مشکلات جامعه راه حل‌های کوتاه مدت و یا مسکنی به جامعه تزریق کرده‌اند، و به صورت جدی به این معضلات توجه کافی و شناخت عمیقی نداشته‌اند، و راه حل‌های جامعی را در نظر نگرفته‌اند؛ شاید به دلیل این نقص بوده است که در راستای نقش اصلاحی پیوست فرهنگی مقام معظم رهبری همواره توقعات جامع خود را در عرصه فرهنگ خطاب به شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح فرموده‌اند، «مباحثی چون لزوم مهندسی فرهنگی، لزوم حضور شورا در مراحل تدوین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، ضرورت تهیه طرح جامع تحول در نظام‌های آموزشی کشور و در آخرین تذکر خود از ضرورت وجود "پیوست فرهنگی" برای طرح‌ها و فعالیت‌ها سخن گفته‌اند. ایجاد اجبار قانونی در مجلس شورای اسلامی برای تهیه "پیوست فرهنگی" برای همه طرح‌ها و لوایحی که به مجلس می‌آید یا در سطح هیئت دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند گامی بلند در رفع

حاشیه‌نشینی فرهنگ در فرآیند مردم‌سالاری باشد، به عبارتی تهیه "پیوست فرهنگی" برای طرح‌ها و لوایح قانونی است که مردم‌سالاری دینی را تجلی عینی می‌بخشد. بر این مبنا ایشان می‌فرمایند به شورای عالی انقلاب فرهنگی «حق بزرگی است که مردم برگردن حکومت دارند، حق رشد فضیلت‌ها و پیشرفت در زمینه معنویات: این حق را باید حکومت ایفاء کند، این مطلب مهمی است که باید برایش برنامه‌ریزی و فکر شود.» [۷]

بدیهی است که در چنین روندی یکی از سرمایه‌های اصلی هر جامعه، دانش نیروی انسانی، و اعتقادات، باورها و گرایش‌های افراد جامعه در تنظیم مناسبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و... آنها خواهد بود و فرهنگ جامعه یکی از متغیرهای مهم و کلیدی در سرعت‌بخشیدن به تحولات و دگرگونی‌های جامعه اسلامی تلقی می‌گردد و متناسب با درک این اهمیت است که اختصاص نیروی انسانی خلاق و ایجاد رشته‌های مختلف دانشگاهی در حوزه تولید دانش و حل مسائل فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد و بدنبال آن، ایجاد سازمان‌های مؤثر اجتماعی، فرهنگی و دینی برای زدودن نقاط ضعف از فرهنگ عمومی جامعه فرایندی کاربردی پیدا می‌کند و بدین ترتیب جامعه متعادلی با توسعه‌ای درون‌زا و پایدار شکل می‌گیرد، که این مساله مرهون اجرای پیوست فرهنگی است. اما وقتی منبع ثروتی برای جامعه‌ای بدست می‌آید که برای دستیابی به آن تحولات درونی اقتصاد لازم نباشد، بلکه خود خریداران آماده باشند که با استخراج این منابع، بخشی از مابه‌التفاوت ثروت منتقل شده را در اختیار بگذارند، از حاصل این ثروت یک بار مصرف در کنار ده‌ها آثار مثبت، مجموعه‌ای از نابسامانی‌ها و نارسائی‌های فرهنگی و سازمانی در چنین جوامعی شکل می‌گیرد که از مهمترین آنها، نابسامانی ساختاری در سازمان‌های اجتماعی است. تبیین این مسئله، یکی از عوامل کندی پیشرفت اقتصاد ایران، مداخله گسترده دولت‌ها در امور اقتصادی، وجود سازمان‌های بزرگ، اما دارای معایب بوروکراتیک و ترمزکننده در فرایند توسعه است؛ که این عوامل خود در فرایندهای بعدی، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرهنگی می‌شوند، که در بیانات مقام معظم رهبری به عنوان نارسائی‌های فرهنگ عمومی بدان اشاره می‌شود. «...یکی همین مسأله‌ی فرهنگ به معنای خاص یعنی اخلاق، رفتار، فضائل، معنویات و عقاید در جامعه است که بایستی پالایش و رشد پیدا کند... این را واقعاً باید سنجید و بر اساس آن پیش رفت.» [۹]

از منظر دیگر وقتی انتظار داریم با گذشت چند دهه از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی، آثار شکل‌گیری تمدنی تازه را مشاهده کنیم، لازمه آن، حضور جهان‌بینی و اندیشه ناب اسلامی در تمامی نمادهای کلامی، ارتباطی، معماری، شهرسازی و ساختارها و سازمان‌های اداره‌کننده یک جامعه است، به ترتیبی که وقتی یک فرد خارجی وارد جامعه ما می‌شود، این تفاوت برای او مشهود بوده و احساس نماید در بطن این جامعه، شکل متعادل و زیبایی از یک حیات متفاوت در حال شکل‌گیری است. «در حال حاضر سرعت تغییرات در جامعه ما، موجب گردیده است که در بسیاری از موارد از جمله فرهنگ تغذیه، لباس‌پوشیدن، معماری، شهرسازی، زبان و ادبیات و نوع سازماندهی امور اجتماعی، مجموعه نامتعادل و بعضاً متضادی از انواع فرهنگ‌ها را مشاهده نمائیم و علاوه بر احساس بی‌هویتی در نسل جدید، روحیه یاس و ناامیدی و باری به هرجهت، در بخش‌هایی از افراد جامعه ظاهر شود، ایجاد یک ساز و کار منسجم مدیریت شده برای سیاست‌گذاری در نحوه تدوین "پیوست فرهنگی": طرح‌ها و پروژه‌ها، می‌تواند در یک روند تدریجی بسیاری از این نابسامانی‌ها را حل و فصل نماید و بستر جامعه را برای ایجاد زیرساخت‌های تمدنی جدید، مبتنی بر اصول و اندیشه اسلامی همراه با بهره‌گیری از علوم و فن‌آوری‌های جدید فراهم سازد.» [۱۰]

در مجموع نقش پیوست فرهنگی می‌تواند «در راستای تقویت فرهنگ توسعه و کسب معلومات و تجربیات مربوط به موانع پیشرفت بومی و محلی نیز بهره‌بردار شود و به اجرای بهتر برنامه‌ها یاری رساند. ارزیابی دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی برنامه و جمع‌بندی از تجربیات و عبرت‌آموزی و تشخیص راه‌حل‌ها و مشکلات جدید به وجود آمده و تشخیص مسیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی مثبت و منفی از نتایج پیوست فرهنگی است. پیوست فرهنگی به وجود آوردن امکان و شرایط حضور مدیران و کارشناسان فرهنگی در برنامه‌های پیشرفت کشور و ایجاد هماهنگی و سازگاری با اهداف و سیاست‌های فرهنگی است و موجب تقویت مسئولیت‌های فرهنگی و اخلاقی و ارزش متخصصان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. مدیران امور فرهنگی در این شرایط می‌توانند آشنایی بیشتر و دقیق‌تری از پیچیدگی‌های برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داشته باشند و در ارتباط متقابل با برنامه‌های توسعه‌ای برای گسترش امکانات فرهنگی همسو با برنامه‌های اقتصادی بهره‌گیری نمایند.» [۵] فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری اشاره به تاثیر فرهنگ بر زمینه‌های خدماتی، عمرانی و اقتصادی شهر، می‌کند که باید در هر برنامه و طرح‌های محله‌ای این فرایند به اجرا گذاشته شود. در واقع مدیران،

دولتمردان و برنامه ریزان شهری در هر نقطه شهر باید تا حد زیادی در کنش و واکنش با فرهنگ آن محله طرح های خدماتی، عمرانی و اقتصادی را به صورت مستمر و پایدار با تأسی از ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، توانایی های فکری و عملی موجود در فرهنگ بومی و محلی دائماً جامعه شهری را نسبت به اجرای برنامه ها و طرح های قبل و بعد از عملیات اجرایی مورد نظارت قرار دهند، و به تقویت فرهنگ و حل مسائل و مشکلات ناشی از ارزیابی های فرهنگی بپردازند. از بُعد دیگر ارتقاء و اعتلای فرهنگ جامعه در فرایند اجرای برنامه ها باید مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس مفهوم پیوست فرهنگی در جامعه شهری نظام اسلامی ایران تقویت باورهای اسلامی و فضایل و ارزش های اصیل شریعت علوی و نبوی است، این فرایند با تأکید بر آرمان های دینی، ملی و بومی جامعه به دنبال توسعه دانش محلی و هنرهای متعهد ایرانی و اسلامی، فنون سنتی و آداب و رسوم صحیح اسلامی و ایرانی است. این فرایند از طریق آموزش های ارزشی و هنجاری در جامعه به دنبال مبارزه با خرافات و کج اندیشی ها می باشد، در واقع فرایند پیوست فرهنگی با کجروی های دفاع از انسانیت و استقلال جامعه باید از طریق عناصر فرهنگی نظام جمهوری اسلامی مبارزه کند و باید چنین مبارزه هایی را در برنامه های اقتصادی، خدماتی و عمرانی شهرها مد نظر قرار داد.

فرایند پیوست فرهنگی در حوزه طرح های مدیریت شهری باید گزارشی از میزان تقویت ارزش های فرهنگی را ارزیابی کند. در واقع باید در طرح های عمرانی، خدماتی و اقتصادی حوزه مدیریت شهری نظام جمهوری اسلامی ایران:

- ۱- مشروعیت الهی نظام اسلامی را تقویت کرد.
- ۲- پایداری و استقلال نظام اسلامی را مورد توجه قرار داد.
- ۳- کارآمدی نظام اسلامی را مورد لحاظ قرار داد.
- ۴- افزایش مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان را در هر گونه طرح و برنامه ای در راستای پیشرفت پایدار شهر مدنظر قرار داد.
- ۵- بسط و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از محرومین و محلات کمتر توسعه یافته را مورد توجه قرار داد.
- ۶- تقویت وحدت کلمه و حبل المتین را در بین شهروندان جامعه شهری گسترش داد.
- ۷- خودکفایی و استقلال در حوزه مدیریت شهری، با توجه به منابع بومی و محلی را اشاعه داد.
- ۸- ایثار و مصلحت جمعی به عنوان یک سرمایه اجتماعی در بین شهروندان جامعه اسلامی تقویت کرد.
- ۹- مسئولیت پذیری و وجدان کاری را به عنوان یک اصل اسلامی مورد آموزش و ارزیابی مستمر قرار داد.
- ۱۰- تقویت هویت ملی، دینی و بومی در بین شهروندان به خصوص نسل جوان مورد اهتمام قرار داد.
- ۱۱- مبارزه با تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و... را مورد اهتمام قرار داد.
- ۱۲- احترام به قانون و انضباط اجتماعی به صورت مستمر و پایدار در بین شهروندان مورد ارزیابی قرار داد.
- ۱۳- نفی مادیگری و تجمل پرستی در راستای منفعت و سود طلبی فردی در بین افراد جامعه شهری نهادینه کرد.
- ۱۴- خدمت رسانی به شهروندان در هر لحظه بدون وقفه مورد توجه قرار گیرد.
- ۱۵- حفظ سرمایه های فرهنگی، اعتماد اجتماعی و ملی، امنیت اجتماعی و ملی در بین شهروندان مورد اهتمام قرار گیرد.
- ۱۶- امید به آینده به خصوص در بین نسل نوجوان و جوان آموزش داده شود.
- ۱۷- سرانه شاخص های سرمایه فرهنگی و اجتماعی شهروندان افزایش یابد.
- ۱۸- گسترش فضاها و تجهیزات فرهنگی در محلات شهری افزایش یابد.
- ۱۹- افزایش فعالیت های دینی و مذهبی و تشکل های اسلامی در سطح جامعه شهری نهادینه شود.
- ۲۰- گسترش اطلاع رسانی داخلی و خارجی بسترسازی گردد.
- ۲۱- تولید برنامه های فرهنگی و هنری متناسب با گروه های جمعیتی در شهر گسترش یابد.
- ۲۲- غنی سازی و پویایی اوقات فراغت برای شهروندان به خصوص نسل جوان مورد توجه قرار گیرد.
- ۲۳- توجه به آموزش های عمومی، دینی و ارتباطات فرهنگی در سطح جامعه شهری گسترش یابد.
- ۲۴- روز آمدی خدمات فناوری ارتباطی و فرهنگی در شهرها ضروری است.
- ۲۵- پاسداشت میراث فرهنگی و اسلامی در جامعه لازم به نظر می رسد.
- ۲۶- ارزیابی نگرش های افکار عمومی شهر در مورد مسائل فرهنگی و اجتماعی دائم باید مورد پایش قرار گیرد..

- ۲۷- ارتقای توانمندی های پایدار و مستمر شهروندان مورد اهتمام قرار گیرد.
- ۲۸- ارائه خدمات مشاوره ای، روانی به شهروندان ضروری است.
- ۲۹- رشد و توسعه پایدار زندگی شهروندان در راستای حذف محرومیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محلات لازم به نظر می رسد.
- ۳۰- نظارت مستمر و پایدار عملکرد سازمانی مدیریت شهری ضروری است.
- ۳۱- تدوین استاندارد فرهنگی با سیاست ها، راهبردها و برنامه های توسعه مند و پایدار جامعه شهری لازم به نظر می رسد.
- ۳۲- تقویت میزان احساس رضایت و حذف محرومیت اجتماعی در نقاط مختلف شهر امری ضروری است.
- ۳۳- توسعه احساس امنیت اجتماعی، فرهنگی و ملی برای شهرها ضروری است.
- ۳۴- تقویت امید و احساس هویت ملی و فرهنگی در بین شهروندان جامعه اسلامی مورد اهتمام است.
- ۳۵- افزایش نرخ دینداری، اعتماد به مدیران شهری در بین شهروندان جامعه لازم است.
- ۳۶- رواج ارزش های اخلاق پسندانه و کرامت انسانی در بین شهروندان مورد توجه قرار گیرد.
- ۳۷- افزایش دسترسی به کتابخانه ها و توسعه رسانه مطالعه و آگاهی در محلات شهری گسترش یابد.
- ۳۸- حمایت از صنایع فرهنگی و هنری مطابق با ارزش های ملی، بومی و هویت اسلامی در راستای گردشگری شهری مورد اهمیت قرار گیرد.
- ۳۹- توسعه مجموعه های فرهنگی و مراکز دینی در سطح محلات شهری باید مورد اهتمام قرار گیرد.
- ۴۰- حمایت از تولیدات در سطح سواد رسانه ای و فرهنگی در بین شهروندان لازم به نظر می رسد.
- ۴۱- حمایت از امکانات و تسهیلات تربیتی و ورزشی در سطح محلات شهری مورد اهمیت قرار گیرد.
- ۴۲- تقویت قانون گرایی و انطباق اجتماعی شهری در بین شهروندان لازم به نظر می رسد.
- ۴۳- تقویت بهداشت، سلامت عمومی و اجتماعی در سطح محلات مورد توجه باید قرار گیرد.
- ۴۴- تقویت همبستگی اجتماعی در بین محلات و تحکیم فرهنگ عمومی در بین خرده فرهنگ های محله ای مورد اهتمام قرار گیرد.
- ۴۵- حفظ محیط زیست شهری و گسترش زیبا سازی شهری در محلات لازم به نظر می رسد.
- ۴۶- تقویت از خانواده و حمایت از همسرگزینی پایدار و ترویج ازدواج آگاهانه، ساده و هدفمند در سطح شهر امری لازم و پایدار محسوب می گردد.
- ۴۷- بسترسازی مشارکت پایدار در بین شهروندان و محلات لازم به نظر می رسد.
- ۴۸- پاسداشت ارزش های انقلاب اسلامی، و شرایط روز جامعه باید در سطح محلات تقویت گردد.
- ۴۹- تقویت خود باوری، پایداری ملی، نوآوری و استقلال در بین شهروندان لازم به نظر می رسد.
- ۵۰- جلوگیری از آسیب های اجتماعی و فساد اخلاقی، مالی و اداری در سطح شهرها باید شدیداً مورد توجه قرار گیرد.

۵. اهداف پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

فرایند پیوست فرهنگی در عرصه مدیریت شهری جامعه ما با این هدف مورد اهتمام باید قرار گیرد که زمینه و شرایط پروژه های عمرانی، اقتصادی، زیباسازی و خدماتی را به نحو مطلوب برای استفاده مستمر و دائم شهروندان آماده نماید، و در کنار این بهره برداری ارزش ها و میراث فرهنگی جامعه را چه در سطح مادی و معنوی، در شهر حفظ نمایند. در واقع هدف از این فرایند این است که سازمان ها، نهادها، مؤسسات و مدیران پروژه های شهری در قبال اثرات فرهنگی پروژه ها مسئولیت دارند و باید تلاش خود را در راستای افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه های در حال اجرا و اقدام های لازم را در خصوص کاهش آسیب های فرهنگی در سطح منطقه اجرا نمایند و به صورت دائم و مستمر قبل از اجرای طرح و بعد از بهره برداری طرح با برنامه ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی مستمر و دائم اثرات فرهنگی طرح ها را پویا و پالایش نمایند.

۶. کانون فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

انقلاب اسلامی ایران در طول سی و اند ساله که از عمر با برکت خود می گذارند، به دنبال ارتقاء کیفیت زندگی همه جانبه جامعه ایرانی بوده است و تمام دولت ها و کارگزاران نظام از طریق ارتقاء سطح دانش شهروندان و بهره مندی جامعه از امکانات رفاهی و اقتصادی از طریق اجرای برنامه های کوتاه و بلند مدت توسعه یافته، در کنار حمایت های بیدریغ رهبری انقلاب موجی از پیشرفت سریع همراه با ارتقاء جریانات فکری، دینی و فرهنگی معتقد به نگرش اسلامی و علوی را در راستای شکوفایی استعدادها و تجلی توانمندی های شهروندان پیگیری نموده اند.

فرایند پیوست فرهنگی از فرهنگ اسلامی ابتدای انقلاب نشأت می گیرد. انقلاب اسلامی در ابتدای راه با تأسی از فرهنگ اسلامی به دنبال این بود که ارزش ها، رفتارها، هنجارها، ساختارها و نهادهای ناشایست و نامطلوب دوران رژیم پهلوی را که به سرعت جامعه را تخریب کرده و آسیب های بسیاری را در جامعه بوجود آورده بود، حذف کند؛ و در گام بعدی با شکل گیری ساختارها و نهادهای جدید انقلابی، تغییرات فرهنگی در باورها، ارزش ها و عادت رسوم گذشته را بوجود آورد، که این امر می تواند خاستگاه اصلی شکل گیری فرایند پیوست فرهنگی از یکسو باشد.

در جامعه ما حال حاضر شکل گیری احیای باز اندیشی هویت اسلامی - ایرانی از ضرورت های لازمی است که مقام معظم رهبری به آن اشاره فرموده اند، بر این اساس تا زمان دستیابی به الگوها و مدل های متناسب با این باز اندیشی و توسعه همه جانبه در کشور به جای توسعه یکسویه باید برنامه جامع بازسازی هویت اسلامی و ایرانی را مورد اهتمام قرار دارد، همچنین حفظ استقلال و استحکام فرهنگی در کلیه برنامه های توسعه پایدار جامعه، به عنوان یک راهبرد با تأکید بر اثرات آشکار و پنهان همراه باید مورد توجه مسئولین، مدیران، کارگزاران و برنامه ریزان فرهنگی قرار گیرد. همچنین بررسی دقیق ابعاد اثرگذاری برنامه های توسعه مند بر فرهنگ جامعه، ارائه راهکارهای متناسب با جلوگیری از آسیب های فرهنگی و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه در تمام عرصه های توسعه باید پیش بینی شود، که این مسأله نیازمند یک برنامه پیوستی با عنوان شیوه نامه پیوست فرهنگی به عنوان اصل لازم و غیر قابل تفکیک در راستای بهبود وضعیت فرهنگی در شرایط حال حاضر می باشد.

در واقع کانون توجه و اهتمام به فرایند پیوست فرهنگی ناشی از رشد ارزشی و اعتقادی مردم و تقویت باورها و رفتارهای متناسب با زندگی اجتماعی شهروندان در جامعه اسلامی ایران است. بنابراین در راستای اولویت دهی به فرهنگ و فرایند پیوست فرهنگی باید مدیریت شهری پنج معیار را در راستای نهادینه کردن فرایند پیوست فرهنگی مد نظر داشته باشند.

الف) بستر سازی فرصت های فرهنگی متناسب با الگوی پیشرفت فرهنگی و بومی جامعه شهری.

ب) جلب مشارکت فرهنگی شهروندان نظام اسلامی در گسترش فرایند توسعه فرهنگی و افزایش سرمایه های فرهنگی، اجتماعی و انسانی محلات شهری.

ج) کنترل و پیشگیری از آسیب های فرهنگی و اجتماعی ناشی از تغییرات و تحولات طرح های خدماتی، اقتصادی و عمرانی در سطح محلات شهری

د) تقویت و بازسازی هویت ایرانی و اسلامی در مقابله به بحران های هویتی، و تهاجم پایدار فرهنگی.

ه) ترغیب، تقویت و ارتقاء فرهنگی نظام اسلامی به عنوان اصلی ترین بستر و تکیه گاه پیشرفت و استقلال پایدار جامعه.

با توجه به این معیارها و پارامترها در مجموع کانون شکل گیری فرایند پیوست فرهنگی را باید «در تجربه ۳۰ ساله انقلاب اسلامی ایران با تمام ضعفها و قوت هایش دانست، این نظام نماینده تجربه ای منحصر به فرد در مدیریت راهبردی فرهنگ محور در دنیای معاصر است و تجربیات بسیار مفیدی را برای استفاده جهانیان به ارمغان آورده است. مسیر طی شده تا تحقق مدیریت راهبردی فرهنگی کشور پهناور ایران تا کنون شکل منطقی را طی کرده است که اخیراً، مفهوم جدیدتری به عنوان پیوست فرهنگی نیز به آن اضافه شده است. برای بررسی کانون شکل گیری پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری جدید در مدیریت فرهنگی حداقل باید به دو موضوع توجه کرد (الف): تهدیدها و فرصت های فرهنگی، که در برابر نظام اسلامی وجود داشته است و یا خواهد داشت. ب): تجربه ای که مدیریت و رهبری کشور برای عبور از این مشکلات تا کنون به کار بسته است.» [۱۱]

۷. اجزای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

وجود نظم فرهنگی در جامعه به عنوان یکی از اجزای اصلی فرایند پیوست فرهنگی، اشاره به توصیف وضعیت فرهنگی موجود جامعه در اجرای طرح های عمرانی و اقتصادی می کند. در واقع مسئولین و مدیران فرهنگی جامعه باید ابتدا اقدام به شناخت واقعی فرهنگ منطقه مورد مطالعه خود برای بسترسازی طرح های خدماتی، عمرانی، زیباسازی و اقتصادی بنمایند. این شناخت واقعی می تواند نقش بارزی در طراحی پروژه های منطقه ای داشته باشد، اگر این پروژه ها به شیوه زندگی مردم منطقه مربوط خواهد شد، منابع و زیر ساخت های فرهنگی افراد جامعه را در منطقه مورد اجرای پروژه تحت تاثیر قرار خواهد داد. تهیه پیوست فرهنگی امری لازم و ضروری است. در واقع توصیف واقعی از وضعیت موجود محیط فرهنگی مورد مطالعه مبنایی برای نشان دادن میزان تغییرات و تاثیرات ناشی از اجرای پروژه ها خواهد بود.

در راستای شکل گیری این فرایند در جامعه اسلامی می توان بخشی از اجزای توسعه این فرایند را در جامعه بخشی از تهدید های دانست که در جامعه باعث این شده که ضرورت پیوست فرهنگی مقام معظم رهبری مطرح نمایند. در حال حاضر و در آینده به دلیل فقدان ابزاری با کارکردهای متصور برای پیوست فرهنگی، نظام مقدس جمهوری اسلامی با تهدیدات عمده زیر روبرو خواهد بود. «۱- توسعه نامتوازن و تخریب بنیان ها و مولفه های فرهنگ ایرانی و اسلامی در جامعه. ۲- از آسیب پذیری جدی فرهنگی در مقابل تعاملات و تهاجم های سنگین سایر فرهنگ ها از جمله فرهنگ غرب در عصر حاضر، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. ۳- باقی ماندن هدف گذاری های کلان فرهنگی در حد شعار و لایه سطحی جامعه. و عدم دستیابی به چشم انداز مطلوب بر اساس آرمان های ذاتاً فرهنگی نظام مقدس اسلامی. ۴- فراگیر شدن و اشاعه تضادهای اجتماعی، فرهنگی و مخرب در جامعه اسلامی، بحران هویت فرهنگی، اختلاط هویت (ایرانی، اسلامی و غربی) در بین شهروندان از جمله نسل جوان و نوجوان جامعه و ابعاد نامطلوب و نگران کننده این چالش ها در عرصه های مختلف جامعه. ۵- عدم بهره وری و ناکارآمدی ابعاد مختلف توسعه در جامعه، به دلیل ناهمبستگی با سازه ها و ساختارهای نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران. ۶- تحمیل هزینه های سنگین در خصوص ترمیم و اصلاح مسیر های توسعه ای طی شده، در دراز مدت جهت افزایش بهره وری و کارآمدی. و...» [۸] همچنین در راستای گسترش اجزای پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری یکسری از نقاط قوت می تواند نقش بارزی در مدیریت راهبردی و اجرایی کارگزاران فرهنگی داشته باشد. که در مقابل اجرایی دقیق این فرایند از سوی سازمان ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در جامعه تهدیدها تبدیل به فرصت خواهد شد؛ و در نتیجه هویت اسلامی و ایرانی جامعه بازتولید فرهنگی خواهد شد. بخشی از این فرصت ها در سطور ذیل بیان شده است. «الف) پیوست فرهنگی فرصتی قابل توجه برای طراحی و مدیریت توسعه متوازن را در اختیار مدیران، مسئولین و برنامه ریزان دولتی و غیر دولتی جامعه خواهد گذاشت. ب) پیوست فرهنگی فرصتی واقعی برای جاری ساختن سیاست های کلان فرهنگی در موضوعات و ابعاد مختلف و تحقق آرمان های نظام اسلامی در اختیار مدیریت اجرایی و کلان نگر نظام اسلامی می گذارد. ج) پیوست فرهنگی به عنوان ابزاری کلیدی و راهگشا می تواند فرصت و زمینه ایجاد مصونیت فرهنگی و تقویت هویت ملی و اسلامی را در اختیار بگذارد. د) پیوست فرهنگی فرصت تازه و آزمایشگاه فوق العاده ای برای آزمون و خطاهای مورد نیاز در طراحی و تدوین و ترسیم دقیق مهندسی فرهنگی جامعه محسوب می گردد. ه) پیوست فرهنگی فرصتی مغتنم برای ایجاد تعادل اجتماعی در ابعاد اقتصاد، فرهنگ و سیاست محسوب گشته و به همین دلیل می تواند نقش عمده ای در افزایش بهره وری پایدار در جامعه ایفاء نماید.» [۱۲]

۸. عرصه های پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

با کمال تاسف باید اذعان نمود تا کنون ابزاری برای تحقق عرصه های فرایند فوق در نظام مدیریت شهری وجود نداشته و صرفاً ممکن است در موارد و مصادیق خاصی به صورت سلیقه ای و در قالب های غیر منسجم و یا حتی ناکارآمد این کارکردها مورد توجه قرار گرفته باشند. اگر بخواهیم در سه عنوان تأثیراتی که از ناحیه جبران این خلاء ابزاری جهت تحقق عرصه های فوق متوجه کشور می شود را نام ببریم می توانیم ادعا کنیم که پیوست فرهنگی موضوعیت می یابد تا «۱- توازن لازم در مسیر توسعه و تعالی کشور میان انواع فعالیت ها و طرح و برنامه ها در ابعاد مختلف شکل بگیرد. ۲- بهره وری طرح ها و تصمیمات و برنامه ها با تزریق دیدگاه های سیستمی و ملاحظه ارتباطات میان ابعاد مختلف اجتماعی و تطبیق طرح ها و برنامه ها با نقشه مهندسی فرهنگی کشور محقق گردد. ۳- از اهداف و راهبردهای کلان و اصول اعتقادی و ارزشهای اجتماعی

نظام مقدس اسلامی در طول برنامه ریزی و اجرای طرح های مختلف صیانت گردد.» [۶] ضرورت پیرامونی در واقع خلاء و نیازی است که در ابعاد مختلف اجتماعی در سطح برنامه ریزی و مدیریت راهبردی فرهنگ شهری احساس می گردد. در این خصوص مثال های فراوانی وجود دارد که می تواند مورد اشاره قرار گیرد. در این مجال به مرور برخی از این مثال ها به صورت گذرا می پردازیم و در پیوست طرح مثال هایی تفصیلی تر را ارائه خواهیم نمود .

۸.۱.۸. عرصه اقتصادی

برنامه ها و طرح های اقتصادی همواره در مقام اجرا مجموعه متنوعی از عوارض و تأثیرات فرهنگی اجتماعی به دنبال دارد مثال های زیر بیانگر برخی از این عوارض و تأثیرات پیرامونی می باشد:

الف: تصمیمات اقتصادی در بخش گسترش آپارتمان سازی و عوارض و تأثیرات آن در اموری مانند بهداشت اخلاقی خانواده ها ، سلامتی روانی شهروندان اثر گذار است و طیف گسترده ای از تأثیرات و عوارض ، که هم می تواند شکل منفی به خود گرفته و هم می تواند به صورت مثبت باشد، تاثیر بخشد.

ب: پروژه های بزرگ شهری و برنامه های توسعه محلات شهری و عوارض تأثیرات فرهنگی آن به طور تفصیلی باید تشریح گردد.

ج: طرح های عمرانی بزرگراه ها، پل ها، پارک ها و... که می تواند وضعیت یک محله را که در مسیر آن قرار گرفته بکلی دگرگون سازد و در این میان ممکن است برخی عوارض فرهنگی نیز دنبال داشته باشد . بدیهی است در صورت پیش بینی این عوارض می توان با تدابیر و طراحی مکانیسم هایی از بروز آن عوارض منفی جلوگیری نمود .

۸.۲.۸. عرصه فرهنگی

برنامه ها ، طرح ها و پروژه های فرهنگی نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم مجموعه ای از تأثیرات و عوارض مثبت و منفی را بدنبال دارند. مثال های زیر می تواند نمونه هایی از این دست تلقی گردد.

الف) توسعه فضاهای دانشگاهی در مناطقی که بافت فرهنگی خاصی داشته و عوارض رفت و آمد دانشجویان با فرهنگ های متفاوت در آن محلات ، نمونه ای از این تأثیرات می باشد

ب) توسعه مناطق تفریحی و گردشگری بدون پیش بینی و در نظر گرفتن تدابیر لازم جهت همسویی این مراکز با اهداف کلان فرهنگی نظام و شاخصه های ارزشی فرهنگ ایرانی اسلامی، نمونه مناسب دیگری در تأثیرات اجتماعی فرهنگی برخی اقدامات و برنامه هاست .

ج) برگزاری جشنواره ها و همایش های فرهنگی که فاقد هدف گذاری های هم جهت با برنامه های فرهنگی کلان نظام هستند و همچنین عدم تطبیق آنها با شاخصه ها و استانداردهای بومی و دینی، منشاء تأثیرات تخریبی عمیقی بر پیکره فرهنگ عمومی شده و از پیامدهای قابل اشاره آنها ، برجسته سازی نمادها و نشانه ها و الگوهای غیر منطبق با فرهنگ هدف؛ می باشد .

۹. نقش فرهنگ در بستر سازی فرایند پیوست فرهنگی در حوزه مدیریت شهری

فرهنگ نگهدارنده و تداوم بخش زندگی اجتماعی انسان است و در واقع این پدیده مهمترین عامل هماهنگی و نظم رفتاری جامعه تلقی می شود. فقدان این پدیده در جامعه منجر به هرج و مرج ، بی نظمی و نابسامانی خواهد شد. از بعد کارکردی این پدیده تداوم بخش و انسجام دهنده ارزش های جامعه است. از بُعد دیگر دین و نظام دینی زیر بنایی ترین مجموعه فرهنگی است که نقش تعیین کننده ای در بافت معنوی و مادی هر فرهنگی خواهد داشت. در واقع دین به ایدئولوژی، اخلاق، عقاید، جهان بینی، نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل می دهد. با تأسی از دین در جامعه شهری به عنوان زیربنایی ترین پدیده فرهنگ جامعه اسلامی می توان برای جامعه اسلامی مدل فرهنگی و یا انگاره فرهنگی در نظر گرفت. اجزای تشکیل دهنده این مدل شامل: ۱- نظام فکری و ارزش های دینی و عقیدتی. ۲- هنجارها و ارزش های خانوادگی. ۳- هنجارهای سیاسی. ۴- نوع تولید و شیوه توزیع و مناسبات اقتصادی. ۵- بافت کلی علم و تکنولوژی و زبان و ادبیات هنر. ۶- کیفیت لباس و مسکن و تغذیه. بنابراین فرهنگ در جامعه اسلامی « بر پایه معنویت و اخلاق قرار دارد و ایمان مذهبی ضامن اجرای اصول اخلاقی است و در اکثریت کشورها در الگوی فرهنگی جوامع آن ها اخلاق به عنوان یک اصل مهم مطرح است، ولی توجه آنها به اخلاق بی

فایده است مگر اینکه دو شرط لازم را دارا باشند: اولاً دین و ایمان مذهبی عامل حفظ و حراست اخلاق می باشند را دارا باشند تا ضامن اجرای اخلاق باشد، ثانیاً بینش مادپگری و لذت پرستی و غرق شدن در مادیات و استثمار طبقات مستضعف که از ارکان مدل فرهنگی غربی ها و غرب زده ها می باشد، نمی تواند با اخلاق و معنویت پیوند داشته باشد. عمیق ترین فرهنگ ها متعلق به جایی است که مسلمانان زندگی می کنند.» [۹]

با توجه به اهتمام دین در فرهنگ سازی شهرهای اسلامی ایران چهار کارکرد عمده انضباط بخشی، انسجام بخشی، حیات بخشی و سعادت بخشی را می توان برای اجرا کردن مدل فرهنگی در نظام مدیریت شهری قائل بود. با توجه این مسئله رهبر جامعه اسلامی ایران توجه ویژه ای به رشد و تعالی فرهنگ عمومی جامعه داشته اند و به عنوان صاحب نظر در مسائل فرهنگی عصر حاضر، تأکید بسیاری بر راهکارهای عملی (دینی، مذهبی، اخلاقی و ایمانی) در جهت تحقق آرمان های فرهنگ اسلامی در جامعه، جوامع اسلامی و جهان داشته اند و به ارائه راهبردها و سیاست های فرهنگی بسیاری در سخنان و آثار خود اشاره کرده اند، و در چند ساله اخیر دیدارهایی که با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساتید و دانشجویان دانشگاه ها، اعضای تشکیص مصلحت نظام داشته اند، بر اهتمام به فرهنگ عمومی اسلامی در حوزه آموزش و پرورش، آموزش عالی و... معظم له در مقام امامت امر مسلمین نکات بارزی را بیان کرده اند. در طی دو دهه از رهبری ایشان در جامعه در راستای بسترسازی فرهنگ اسلامی در سطح جامعه در پیام آغازین نوروزی هر ساله خود به نامگذاری سال با توجه به شرایط و موقعیت روز جامعه و جهان پرداخته اند. این پیام های نوروزی دارای راهبردها و راهکارهای عمیق با تأکید بر ارزش ها، هنجارهای دینی، اخلاقی، ایمانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همراه است که می توان تا حال حاضر این پیام ها و و نامگذاری ها را در راستای فرایند شاخص های عملی و کاربردی پیوست فرهنگی طرح ها اینگونه تقسیم کرد. «الف: بستر سازی لازم برای شناخت از عملکردهای فردی در جهت خودشناسی و دستیابی به خدانشناسی. ب: پرورش استعداد های فردی، توانمندی های فکری و عملی، در جهت سعادت اخروی و مادی زندگی فردی و توسعه و اعتلای جامعه اسلامی. پ: تزکیه و تهذیب نفس در عملکرد رفتاری، رشد فضایل و مکارم اخلاقی در زندگی اجتماعی و فردی بر اساس ایمان به خدا، تقوای اسلامی و تبعیت از شریعت شیعه علوی و نبوی. ت: پرورش روحیه تعبد آگاهانه، التزام عملی و قلبی به احکام اسلامی و دینی در عملکردها و رفتارهای اجتماعی و فردی. ث: پرورش روحیه اعتماد به نفس، عزت نفس، تقویت اعتماد سازی اجتماعی، پرورش استقلال شخصیتی و جامعوی، نفی اتکاء به دیگران. ج: تقویت و تکریم کرامت اخلاقی و انسانی بر پایه شریعت علوی و نبوی. ح: تعدیل عواطف، انعطاف نگرش ها و عملکردها بر اساس دستورات مبین دین اسلام. خ: نهادینه کردن و تربیت مستمر روحیه نظم و انضباط پذیری اجتماعی.» [۱۰] جهت دستیابی به توسعه و پیشرفت باید به چهار عامل اساسی توجه کرد در قالب فرایند پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی باید این عوامل را مورد توجه قرار داد.

- ۱- متحول نمودن اذهان و نگرش های اجتماعی شهروندان در راستای توسعه و پیشرفت.
 - ۲- استمرار به آموزش های تخصصی و متعهدانه در نظام آموزشی روبه توسعه.
 - ۳- تأمین منابع و اعتبارات در به کارگیری سرمایه های اجتماعی، انسانی، اقتصادی و فیزیکی.
 - ۴- حفظ الگوهای مدیریتی توسعه مند و ثبات در نظام مدیریت اسلامی و ایرانی.
- بدون تردید هر ملتی که با توجه به ارزش های جامعه خود در راستای حفظ و ارتقاء ملت خود خواستار پیشرفت و توسعه پایدار می باشد باید بتواند ارتباطی تنگاتنگ بین فرهنگ، توسعه فرهنگی و پیوست فرهنگی ایجاد نماید که در نتیجه به این دستاوردها خواهد رسید.

الف) برنامه های اقتصادی، سیاسی، عمرانی و اجتماعی جامعه را در مسیر حفظ و تقویت میراث فرهنگی سوق دهد.

ب) برنامه های ابعاد توسعه یافتگی جامعه را در راستای افزایش سرمایه فرهنگی ارتقاء بخشد.

پ) به تدوین برنامه های اقتصادی، عمرانی، اجتماعی و سیاسی پردازد که منجر به تقویت زیرساخت های فرهنگی گردد.

ت) در تدوین برنامه های توسعه یافتگی پایدار جامعه سیاست های فرهنگی را مرد توجه قرار دهد.

ث) برنامه های توسعه یافتگی جامعه باید در راستای تقویت نظام آموزشی پایدار فرهنگی و اسلامی شکل گیرد.

ج) برنامه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، عمرانی و سیاسی باید در راستای حمایت از صنایع فرهنگی حرکت کند.

چ) برنامه های توسعه پایدار و همه جانبه جامعه باید مطابق با هویت فرهنگی و ملی باشد و این عوامل را تقویت نماید.

ج) تدوین برنامه توسعه پایدار جامعه باید به نوعی باشد که وضعیت آینده فرهنگی را ترسیم نماید و تمام شهروندان، سازمان ها و نهادهای حکومتی و دولتی را در راستای این آینده فرهنگی مسئول بداند.

خ) برنامه های توسعه اقتصادی، عمرانی، سیاسی و اجتماعی جامعه باید به گونه ای تدوین شود که موقعیت فرهنگی جامعه در سطح منطقه و بین المللی تقویت نماید.

۱۰. نتیجه گیری

گسترش فرایند پیوست فرهنگی از بُعد پژوهش جامعه شناختی و مطالعات فرهنگی نقش بارزی در حذف تأخر فرهنگی و عقب ماندگی بین بخش مادی و معنوی فرهنگ شهری خواهد داشت. فرایند پیوست فرهنگی در کاهش تضادهای فرهنگی و سیاسی، نهادینه شدن مشارکت همه جانبه و پایدار شهروندان، جامعه مردم سالار دینی نقش بارزی دارد. فرایند پیوست فرهنگی احیاء و تقویت فرهنگ اسلامی شناخت و اصلاح موانع فرهنگی افزایش اثربخشی فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ... را تسریع می بخشد. این فرایند در عرصه مدیریت شهری جامعه ما با این اهداف، افزایش پیامدهای مثبت فرهنگی پروژه های در حال اجرا، کاهش آسیب های فرهنگی طرح ها، برنامه ریزی دقیق اجتماعی و فرهنگی برای جامعه را به دنبال خواهد داشت. در واقع تحولات و تغییرات گسترده ای که از ابتدای شکل گیری آغاز حرکت انقلاب اسلامی ایجاد شده، و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این حرکت همانند قبل بدست امام امت رهبری شده، تجربیاتی که در هشت سال دفاع مقدس ایثارگران و دولت مردان جامعه بدست آوردند، و بعد از جنگ هم رهنمودهای مقام معظم رهبری با تأسی از شرایط و احوال فرایندهای جهانی، در کنار خدمات پایداری که دولت های بعد از جنگ انجام داده اند، همچنین مبارزه با فرایندهای استکبار جهانی در قالب تهاجم های فرهنگی، تهدیدات جنگ نرم و قدرت، تحریم های بین المللی، علاوه بر این پاسداشت ارزش های اسلامی و انقلابی و گرامیداشت ارزش های دفاع مقدس در کنار مشارکت پایدار شهروندان در نظام مردم سالاری دینی می تواند از مهمترین کانون های شکل گیری این فرایند در دهه چهارم انقلاب اسلامی باشد. وجود نظم فرهنگی در جامعه به عنوان یکی از اجزای اصلی فرایند پیوست فرهنگی است، شناخت واقعی فرهنگ شهری برای بسترسازی طرح های خدماتی، عمرانی، زیباسازی و اقتصادی امری لازم و ضروری است. توازن بخشی در عرصه های توسعه پایدار هم می توان به عنوان اجزای اصلی فرایند پیوست فرهنگی مورد نظر باشد. بر این اساس فرهنگ و توسعه آن از طریق فرایند پیوست فرهنگی منجر به پیشرفت زندگی جامعه با هدف تحقق ارزش های فرهنگی و اخلاقی خواهد شد. با توجه به این نقش و وظایفی که از بُعد جامعه شناختی بیان کردیم در سطور ذیل اشاره به یکسری راهبردها و برنامه ها خواهیم نمود.

۱۱. راهبردها و راهکارها

- ۱- تصویب مصوبات قانونی و اداری از سوی شوراهای اسلامی شهر در اجرای لازم و ضرورت مند پیوست فرهنگی در بین سازمان های مختلف حوزه مدیریت شهری.
- ۲- تهیه پیوستار عملیاتی و کاربردی ابعاد فرهنگی در اجرای پروژه ها و طرح های توسعه مند محلات شهری.
- ۳- اهتمام ویژه به اجرای برنامه های (کوتاه، میان و بلند) مدت در راستای نهادینه سازی اصول اسلامی، اخلاقی و ایمانی در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری.
- ۴- تدوین پیوست نگاری فرهنگی در حوزه ارتقاء اخلاقی و معنوی مدیریت شهری در راستای پایداری هویت اسلامی، ایرانی و بومی شهرها.
- ۵- پیش بینی هرگونه روند مثبت و منفی در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری از سوی مدیریت شهری
- ۶- ارزیابی و اثر بخشی فرهنگی و اجتماعی طرح های توسعه مند شهری در سطح محلات.
- ۷- آگاه سازی و اطلاع رسانی مستمر به شهروندان در خصوص اجرای طرح های توسعه پایدار شهری.
- ۸- اهتمام ویژه مدیران، برنامه ریزان دولتی و غیر دولتی به تدوین سیاست های فرهنگی برای طرح های توسعه پایدار شهری.
- ۹- توجه مدیران، مسئولان شهری به رصد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و عمرانی نیازهای محلات شهری

- ۱۰- پیشگیری از بی هدفی و باری به هرجهت بودن طرح های توسعه شهری از طریق مدیریت مشارکتی و نظارت مستمر، نه بر پایه دستور دادن و فشار اداری، سیاسی و...
- ۱۱- پیشگیری از تصادم و تضادهای فرهنگی در طرح های محله ای.
- ۱۲- تأکید بر پارامترهای ارتقاء سرمایه های اجتماعی، فرهنگی، انسانی در طرح های توسعه پایدار شهری.
- ۱۳- ارزیابی مستمر آسیب های طرح های توسعه پایدار شهری و ارائه تدابیر عملی برای حل چالش ها و موانع شهری
- ۱۴- بستر سازی در راستای تحرک فرهنگی در طرح های توسعه شهری برای ایجاد مشارکت پایدار و پویا شهروندان.
- ۱۵- تقویت و استمرار اخلاق اسلامی، کرامت انسانی در طرح های توسعه شهری.
- ۱۶- تدوین برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی در راستای حذف الگوهای رفتاری مخرب در تمام زمینه ها در سطح شهر.
- ۱۷- نظارت بر تقسیم عدالت مند درآمدهای شهری برای طرح های توسعه پایدار شهر. نه اختصاص بودجه های اقتصادی به طرح های توسعه مند تک بعدی در شهر.
- ۱۸- سرمایه گذاری بر روی پرورش استعدادها، خلاقیت های نخبگان شهری و حفظ آن ها
- ۱۹- حفظ احترام متقابل به حقوق شهروندان در تمام برهه های زمانی و مکانی پرهیز از شعارهای تبلیغاتی در زمینه عرصه شهروندان در هنگام مشارکت های شهری.
- ۲۰- جلوگیری از برنامه های سطحی نگر و بدون ساختاری توسعه مند برای حل مسکنی مشکلات شهر، و تدبیر در راستای حل ساختاری معضلات و مشکلات جامعه شهری.
- ۲۱- برنامه ریزی برای رشد فضایل اخلاقی، اسلامی و پیشرفت معنویات عمیق و نهادینه شده در بین محلات شهری.
- ۲۲- برنامه ریزی فرهنگی در راستای تقویت رفتارها و نمادهای اسلامی در سطح شهر.
- ۲۳- برنامه ریزی (کوتاه، میان و بلند) مدت در راستای حفظ و تقویت پویا و زنده تمدن اسلامی و ایرانی در عرصه کلان شهرهای بزرگ که نقش بارزی در بین جهان اسلام دارند.
- ۲۴- تدوین متون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از تجربیات ارزنده ای سی ساله انقلاب اسلامی به صورت نرم افزاری و سخت افزاری.
- ۲۵- بستر سازی سواد رسانه ای برای ارتقاء فرهنگی و هویت اسلامی، ایرانی و بومی.
- ۲۶- تقویت برنامه های عمیق فرهنگی در راستای پاسداشت میراث فرهنگی و اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ انقلاب اسلامی و ارزش های دفاع مقدس.
- ۲۷- توجه به ابعاد کمی و کیفی ارتقاء سطح زندگی شهروندان.
- ۲۸- توجه به شناخت عمیق نسبت به فرهنگ اقتصادی جامعه شهری.
- ۲۹- بررسی عوارض و پیامدهای بی توجهی به فرهنگ در محلات شهری.
- ۳۰- مطالعه عمیق برای شناخت توانمندیهای عمیق و مشارکتی مدیران، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- ۳۱- مطالعه عمیق توسعه دانشگاهی و بررسی عوارض پیامدهای نامطلوب فرهنگی در مناطق مختلف.
- ۳۲- بستر سازی برای گسترش توسعه فرهنگی گردشگری، با توجه به توانمندیهای جامعه شهری.
- ۳۳- برپایی جشنواره های و همایش های فرهنگی به صورت عمیق نه سطح نگر در شهر.
- ۳۴- تدوین برنامه های فرهنگی در حوزه ترغیب به نظم و انسجام بخشی در فعالیت های شهری.
- ۳۵- مطالعه عمیق نسبت به شناخت فرهنگ محلات و حل معضلات، مشکلات و حافظه منفی تاریخی در مورد محلات از طریق ترغیب و تشویق انسجام بخش و برنامه ریزی شده در بین محلات شهری.
- ۳۶- حمایت از تشکل ها، انجمن های فرهنگی برای بسط و گسترش هویت اسلامی و ایرانی در شهر، بدون جبهه گیری سیاسی و اعتقادی.
- ۳۷- تشویق و ترغیب هنرمندان ، خلاقان و نخبگان متعهد در زمینه عرصه های پایدار توسعه پایدار شهری.

- [۱] محسنی، منوچهر، مقدمات جامعه شناسی، چاپ سوم، نشر دوران، تهران ۱۳۷۸، صفحات ۹۶-۹۵.
- [۲] مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی چارچوب تهیه پیوست فرهنگی، دسترس در سایت مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۱، صفحات ۷۰-۱ تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۲.
- [۳] رضایی، علی اکبر، درنگ و درایتی پیرامون تحلیل جامعه شناختی و تبیین مفهومی پیوست فرهنگی، ۱۳۸۸، دسترس در www.foeac.ir. تاریخ دریافت ۹۱/۱/۱۹.
- [۴] بیانات سخنرانی رهبری انقلاب سال ۱۳۸۶. در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی دسترس در www.khamenei.ir. تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۰.
- [۵] سند چشم انداز توسعه ۲۰ ساله دسترس در www.khamenei.ir تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۵.
- [۶] فردرو، محسن، ابعاد موضوعی پیوست فرهنگی، چاپ اول، نشر عباسی، تهران، ۱۳۸۹. صفحات ۲۴-۲۵
- [۷] بیانات سخنرانی رهبری انقلاب سال ۱۳۸۲. در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی دسترس در www.khamenei.ir. تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۰.
- [۸] بنیانیان، حسن، پیوست فرهنگی. ۱۳۸۸، دسترس در <http://artshahrekord.ir>. تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۱/۲۶.
- [۹] بنیانیان، حسن، پیوست فرهنگی ضرورت های وجودی، راهکارها و فرآیندهای تدوین آن، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، صفحه ۷۵. [۱۰] رضایی، علی اکبر، فردرو، محسن، آشنایی با اصول برنامه ریزی و برنامه ریزی فرهنگی. چاپ اول، نشر عباسی، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۴۲.
- [۱۰] حسینی، مریم السادات، ردپای فرهنگ در اقتصاد. ۱۳۹۱ دسترس در www.vista.ir تاریخ دریافت ۹۱/۱/۲۳.
- [۱۱] ناظمی، مهدی، مهندسی فرهنگی کشور؛ تحلیلی بر دیدگاه های مقام معظم رهبری، سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵۴.
- [۱۲] نظامی، مهدی، تحلیلی بر دیدگاه های مقام معظم رهبری در خصوص مهندسی فرهنگی کشور، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵، صفحات ۶۳-۶۴.

محمد حسن شربتیان

Email: sharbatriyan@pnu.ac.ir